

مخارج را بشود بیش بینی نمود و حتماً باید يك مبلغی باسم مخارج پیش بینی نشده نوشته شود و این مبلغی که در اینجا نوشته شده است ربعش درست مطابقت نخواهد کرد با میزان صدی سه و ممکن است عرض کنم در صورتی که ربع این مبلغ هزار و هفتصد تومان خورده می شود به ۱۰۰۰ تومان رای داده شود کافی است .

مخیر - بنده موافق با این فرمایش معاون هستم یکی دو مطلب را باید در کمیسیون اصلاح کرده بعد باوریم و این را هم بمدار اینکه جمع این بودجه معلوم شد صدی سه آن را معین کنیم و بهر مجلس برسانیم .

نایب رئیس - پس مذاکره در بودجه را امروز ختم می کنیم رایورت کمیسیون عریض قرائت میشود (رایورت کمیسیون عریض و مرخصی راجع به مرخصی اقبال السلطان قرائت شد کمیسیون عریض و مرخصی عریضه مرخصی دو ماهه شاهزاده اقبال السلطان را تحت مشاوره در آورده و باتفاق آراء مرخصی دو ماهه ایشان را که از ابتدای تاریخ هفدهم برج قوس است تصویب مینماید

نایب رئیس - در این رایورت مخالفی نیست ؟

سلیمان میرزا - همان طور که در سایر رایورتهای کمیسیون عریض مخالف بودم و عقیده داشتم باز تکرار میکنم با اینکه مسبوق هستم آقای اقبال السلطان که می خواهند تشریف ببرند در شان ناخوش هستند و اجباراً تشریف میبرند بهترین میدانم که رعایت این دو نظر را می فرمودند یعنی حقوق مدت مرخصی را تقدیم کتابخانه مجلس و تاریخ روز حرکت راهم معین می فرمودند و اگر حقوقشان را تقدیم کتابخانه مجلس نمایند و تاریخ حرکت را هم معین نمایند بنده موافقم والا مثل سایر رایورتهای کمیسیون عریض مخالف

نایب رئیس - آقایان شیخ الاسلام و مساوات در این خصوص اجازه خواسته اند

(گفته شد خیر)

نایب رئیس - مجدداً قرائت میشود و رای می گیریم (مجدداً بمضمون سابق قرائت شد)

نایب رئیس - آقایانی که مرخصی اقبال السلطان را بتبیینی که در رایورت نوشته است تصویب می نمایند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد . جلسه آینه فردا دستور آن قانون امتیاز فقط .

آقای محقق العلماء (اجازه)
محقق العلماء - در دستور اگر صلاح است قانون انتخابات را که از کمیسیون گذشته جز دستور بگذارند (بعضی از نمایندگان هنوز مطالعه نشده و زود است)

نایب رئیس - آقایانی که این پیشنهاد آقای محقق العلماء را تصویب می نمایند قیام فرمایند (عده قلیلی قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب نشد

آقای آقا سید یعقوب در دستور فرمایشی دارید

آقا سید یعقوب - بلی نایب رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - عرض می کنم در کمیسیون فوائد عامه بعضی اویج گذشته و خیلی عام المنفعه است یکی راجع به چراغ برق همدان و یکی راجع بکبریت سازی آذربایجان یکی هم راجع بحق تقدم راه آهن است و اینها یکسائل عام المنفعه است لهذا خواهش می کنم جزء دستور بگذارند

نایب رئیس - این هائی را که شما می فرمائید توزیع نشده است (یکی از نمایندگان - فقط حق تقدم راه آهن طبق نشده)

نایب رئیس - آقای شیخ الاسلام در دستور فرمایشی داشتند ؟

شیخ الاسلام - بلی نایب رئیس - بفرمائید

شیخ الاسلام - در آن لایحه که راجع بستمی بود تومانی پنجاه هائی و پنجقران گذشت بعد حضرت والا سلیمان میرزا پیشنهاد فرمودند که يك تومانی هم برود بکمیسیون و از قراریکه بنده میشنوم در يك تومانی ها اشخاصی که بیچاره تر از تومانی دو ربالی و پنجقرانی می باشند هستند اگر رایورت آن از کمیسیون داده شده و طبع کرده اند استندادارم جز دستور باشد والا تقاضا از اعضاء کمیسیون دارم که این رایورت را زودتر بدهند که آن بیچاره هاهم آسوده بشوند

نایب رئیس - چون عده کافی نیست جلسه ختم می شود مجلس يك ربع ساعت بمدار ظهر ختم شد

رئیس مجلس مؤمن الملک جلسه ۱۸۴ صورت شروع مجلس یوم ۵ شنبه یازدهم قوس ۱۳۰۱ مطابق هفدهم ربیع الثانی مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای مؤمن الملک تشکیل گردید (صورت مجلس یوم ۴ شنبه چهاردهم قوس را آقای امیر ناصر قرائت نمودند)

رئیس - آقای کازرون (اجازه)
آقای کازرون - آقای آشتیانی را غایب بی اجازه نوشته اند و حال آنکه ایشان مریض هستند و بواسطه ردیانتوانستند حاضر شوند و گمان می کنم آقای مدرس هم مسبوق باشند

رئیس - دیگر ایرادی نیست ؟ (گفته شد خیر)

رئیس - صورت جلسه تصویب شد لایحه امتیاز نفظاز ماده هشتم مطرح است

آقای شیخ الاسلام اصفهانی (اجازه)

شیخ الاسلام اصفهانی - در این ماده ۳ نکته هست که بنظر بنده خیلی نگرانی دارد اولاً نوشته شده است صاحب امتیاز می تواند يك یا چند کمپانی تشکیل بدهد که مطابق قوانین ایران یا دول متعده امریکا تأسیس و تشکیل شود قوانین کمپانی دول متعده امریکا را ما نمی دانم چیست و این رجم بغیبت است شاید يك چیزهائی در آن قانون باشد که منافی مصالح ما باشد یا يك چیزهائی باشد که منافی با این امتیاز و قرار داد باشد یا منافی باشد با شرحی که در تبصره دوم ماده دهم است در آنجا می نویسد : بعلاوه دولت حق خواهد داشت که در هیئت مدیره کمپانی در هر حال معادل يك خمس از آراء نماینده داشته باشد . این است که بنده از آقای مخیر تقاضا می میکنم توضیح بدهند . مطلب دوم این است که در این ماده نوشته شده است

صاحب امتیاز می تواند بآن کمپانی یا کمپانی ها حقوقی را که بموجب این امتیاز دارا است کلام بعضاً و گذار نماید یعنی این کمپانی حق خواهد داشت تمام حقوقی که با او گذار می شود بگیرد و گذار کند و فقط خودش دلال باشد این هم بنظر بنده مناسبت ندارد که ما بیک کمپانی گدا که تمام حقوقش را بدیگری وا گذار کند معامله نماییم .

مطلب سوم این است که در شور کلی عرض کردم حالا هم عرض میکنم که عبارت این ماده يك بیجیدگی دارد و درست مطلب را روشن نمی سازد می نویسد : بعلاوه تمام اسهام سرمایه کمپانی یا کمپانی های تشکیل شده برای هر نوع عملیات این امتیاز باید بقید الفای این امتیاز تا اینجا خوب است بعد می نویسد در صورت تغلف در تحت مالکیت و تصرف این چند کلمه اخیر عبارت عجیبی است که خیلی دیده میشود مطلب را از آن فهمید و تصور میکنم اگر نوشته شود و در صورت تغلف از رعایت شرط مالکیت یا تصرف در دست رعایا یا شرکتهای آمریکائی باشد این عبارت مطلب را بهتر و واضح تر میرساند

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - آقای شیخ الاسلام سه چهار مسئله فرمودند که گمان می کنم اگر درست توجه میفرمودند مسائلی نبود که مخالفت با اساس ماده داشته باشد اما اینکه فرمودند شاید قوانین شرکتهای امریکائی قوانینی باشد که با قوانین ما مخالف باشد اولاً شما او را نمی دانید و ثانیاً آن چیزی که مضار و مخالف با قوانین ما است آن چیزی است که منافی استقلال ما باشد و این شرکت اقتصادی است و نظرش بسوی اقتصاد است و هیچ نظر سیاسی ندارد چنانچه از اول تا آخر مواد این قانون ملاحظه بفرمائید از اول تا آخر نظری به سیاست نبوده است و تمام اقتصادی است و تأسیس شرکتهای ما باید چیزی نیست که نظریات سیاسی در او موجود باشد اما اینکه فرمودند يك کمپانی که فقیر باشد چرا ما باید با او معامله کنیم گمان می میکنم اگر توجه داشته باشند ادارات هم برای کمپانی ها و شرکتهای است بواسطه همین شرکتهای و کمپانی ها است که اغلب نقاط دنیا رو به آبادی گذاشته يك نفر که نمی تواند صد میلیون سرمایه داشته باشد و تأسیس کمپانی کند در هیچ جای دنیا هیچ کس وجود ندارد این است که شرکت ها درست می کنند پس گمان نمی کنم شرکت گدا و مفلس باشد و تأسیس شرکت دلیل نمی شود که کمپانی فقیر باشد .

مسئله دیگر که فرمودند عبارت صریح نیست اگر توجه داشته باشید نظر ما این بود که این امتیاز بکمپانی آمریکائی داده شود چون مطابق قانونی که در لایحه اول قوس پارسی گذشت این امتیاز بقیه آمریکا اعطا شد

بعدهم او را اهمیت داده می خواهیم يك قانون مفصلی برایش بگذاریم و در واقع اعطای امتیاز بقیه آمریکا است و غیر از آنها بکسی دیگر داده نمی شود و راجع بقیه ایران هم بعضی این که يك رئیس الوزرا تذکر داده شد که این کمپانی که تشکیل می شود ملت ایران هم شرکت بدهد و بعد از سؤال وجوابهای زیاد قرار شد صدی از اسهام را بقیه ایران بدهد و قرار شد که در عرض یکسال ملت ایران صدی اسهام را خریداری کند و اگر خدای نخواسته نتوانست موفقیت حاصل کند یعنی ملت ایران سهل انگاری کردند و با امروز فردا گذرانند و یکسال تمام شد آنوقت اگر کمپانی بخواهد اسهام را بفروشد می تواند اما بشیر از ملت آمریکا بکسی حق ندارد بفروشد و تمام این ملاحظات شده و مقصود این است که یا باید شرکاء و خریداران اسهامی از ملت ایران باشد یا از بقیه آمریکا و هیچ شرکت دوست دیگر در او نباشد و در ماده بعدهم

با جدیت و زحمات اهضای کمسیون ثابت کردند و فشار آوردند که باید خمس از مدیران کمیانی (چون در ماده بعد نوشته است که کمیانی دارای پنج مدیر است) از طرف دولت ایران باشد این هم به معنی بود که بدولت و ملت ایران داده شد و این ماده هم مخالفت با آن قوانین آمریکا ندارد بلکه بیشتر اثبات حق ما را می کند پس گمان نمی کنم که اشکالی برای آقای شیخ الاسلام باقی بماند و هیچ منافاتی هم ندارد که يك ملت کامل الاستقلال که از هر حیث استقلالش نام و تمام است اینطور امتیاز بدهد و اشکالی هم ندارد

رئیس - آقای زنجانی (اجازه)

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - بنده يك روز این جا عرض کردم خیلی احتیاط می کنم با درست نمی فهمم و يك وقت اینجا گفته شد اگر بکنی از خانه اش آمد بیرون باید خیلی احتیاط کند که توی چاله نیفتد و اگر يك پایش رفت توی چاله آن يك پایش را نگذارد که مبادا آن هم توی چاله بیفتد و درماند

بنا بر این عرض می کنم بنده مثل آقایان متخصص نیستم آقایان متخصص هستند لهذا باید احتیاط کنم که توی چاله نیفتم

آنچه آقایان این جا گفتند که ما به متخصصین رجوع کردیم وجه کردیم وجه کردیم این حرفها بنده را قانع نکرد و ندانستم آقایان بکدام متخصص رجوع کرده اند !!

من نشناختم این متخصص معین را که این قدر منافع ما را می خواهد خوب بود باهم معرفی می کردند که ما هم تحقیق کنیم و ببینم آیا متخصص است یا نه ؟ و نفع ما را خواسته است یا نه خواسته ؟ و یا از روی امتیاز يك مملکت دیگری خواسته اند رفتار کنند ؟

آقای رئیس الوزرا و مغرب فرمودند که به متخصص رجوع شده است بنده قانع نشدم خوبست بفرمایند کی هستند ؟ کجائی هستند ؟

اگر نماینده سنهکراست که او نفع خودش را در نظر می گیرد ولی بنده احتیاط می کنم حتی در کوچه هم که پایم را می گذارم خیلی احتیاط می کنم در يك مملکتی که سر تا پا دام و تله و گرداب و چاله است از داخل و خارج آدم را پرت می کنند خصوصاً وقتی که ابرهای ظلمانی هم فضا را گرفته باشد باید خیلی خیلی با احتیاط راه رفت والا بيك قدم پرت می شود لهذا من هم احتیاط می کنم و این ماده ترتیبی که نوشته شده مقصود را تأمین نمی کند و بنده عقیده ام این باید آن کمیانی که تشکیل می شود و این امتیازی هم که داده می شود صرفاً غیر از اتباع

ایران کسی را شرکت ندهند والا يك وقت ملاحظه خواهید نمود که تمام اسهام را اتباع خارجه خریدند و این دلالت می کند که اداره کردن با صاحب امتیاز است و می تواند اتباع خارجه را هم بشرکت قبول کند چون در ماده هشتم می نویسد ممکن نیست غیر از اتباع ایران و آمریکا بگیری و اگذار شود مگر بطریق ذیل .

این مگر یعنی چه ؟ یعنی اتباع خارجه را هم می تواند شرکت بدهد والا مگر نباید در اینجا ذکر شود و این مگر صحیح نیست و باید صریح نوشته شود که در این امتیاز و این کمیانی که تشکیل می شود در خرید سهام ولو بوسیله هم باشد هیچ وجه من الوجوه غیر از اتباع ایران و آمریکا کسی دیگر حق شرکت نخواهد داشت بعلاوه اینجا در اول ماده نوشته شده است (نمی تواند واگذار کند) تصریح نشده است که شریک هم نمی تواند قبول بکند و باید نوشت که نه تمام امتیاز را و نه يك قسمت امتیاز را غیر از اتباع ایران و آمریکا بکسی دیگر نمی تواند واگذار کند شریک هم نمی تواند بکند و سهام را هم هیچکس (ولو بوسیله متمدنه) غیر از اتباع ایران و آمریکا حق فروشی نداشته باشد و بعلاوه مدت اعلان اسهام هم معین نیست که چه وقت اعلان می شود ابتدا این ماده بنظر بنده صحیح نیست لهذا بنده ماده را بشکل دیگری پیشنهاد کرده ام و تقدیم می کنم که بفرمائید

سهام السلطان منشی کمسیون

آقای زنجانی اظهار نمودند در این ماده صریح نیست که غیر از اتباع ایران و اتباع آمریکا کسی دیگر نمی تواند دخالت کند چون مگر دارد و حال آنکه تمام اسهامی را که ممکن بوده است چه بطریق خرید سهم و چه بطریق واگذاری امتیاز و یا بهر شکلی که ممکن بوده است به اتباع خارجه واگذار شود و آنها دخالت نکنند جلوگیری شده است مثلاً در قسمت اول نوشته شده است امتیاز را به هیچ قسم نمی تواند بگیری و اگذار نماید و این استثنائی را که ملاحظه می فرمائید راجع به قسمت اخیر ماده است و مقصود دخالت اتباع خارجه نیست در قسمت اخیر هم می نویسد که صاحب امتیاز می تواند بيك یا چند کمیانی تشکیل بدهد که مطابق قوانین ایران یا دول متحده آمریکا تأسیس و تشکیل شود البته برای اداره این کار لابد همین کمیانی که می خواهد امتیاز بگیرد برای هر رشته از عملیاتش يك کمیانی یا چندین کمیانی تشکیل می دهد و هر کدام از این کمیانی ها را قید کردیم باید حتماً آمریکا می باشد و اگر سهام هم فروخته می شود با اتباع ایران و آمریکا است و حتی نوشته شده باید نظارت آن کمیانی ها و اداره آنها در دست همین کمیانی که امتیاز باو واگذار می شود باشد در قسمتهای دیگر هم ملاحظه فرمائید می نویسد ولی صاحب امتیاز مزبور ملزم و مقید است که اداره

و نظارت کمیانی یا کمیانی های مزبوره را در دست داشته بوسیله اتباع دول متحده آمریکا بموقع اجرا بگذارد و در صورت عدم اجرای این شرط امتیاز بکلی ملغی خواهد بود . (دو مرتبه می نویسد)

بعلاوه تمام اسهام سرمایه کمیانی یا کمیانی های تشکیل شده برای هر نوع عملیات این امتیاز باید بقید الفای این امتیاز در صورت تغلف در تحت مالکیت و تصرف در دست رها یا یا شرکت های آمریکائی باشد الا اینکه دولت یا اتباع ایران حق دارند تا میزان صدسی از تمام سرمایه هائی که برای اجرای امتیاز بکار می رود بقیمت بازار خریداری نموده مالک شوند . آن وقت در قسمت اخیر ماده ذکر شده است .

لکن هر سهمی از سرمایه کمیانی یا کمیانی های مزبور را که دولت یا اتباع ایران خریداری نمایند باید مقید باشند که نتوانند آن را بفروش برسانند مگر بدولت یا با اتباع ایران یا اتباع آمریکا بنا بر این اگر اتباع ایران و آمریکا هم سهمی خریدند حق واگذاری به اتباع خارجه را ندارند و مجبورند که بدولت یا اتباع ایران و آمریکا با رعایت ترتیب تقدم و تأخر واگذار نمایند و تمام نظریات کمسیون هم همین بود که آقای زنجانی فرمودند و مقصودی نداشت مگر اینکه این امتیاز و شرکت در دست ایران و آمریکائی باشد (صحیح است)

رئیس - آقای آقا میرزا علی (اجازه)

آقا میرزا علی کازرونی - بعضی ها اینطور جلوه دادند که بنده مخالف با امتیاز بلکه مخالف با استخراج نطف هستم در صورتیکه اینطور نیست و آقایان بر ارض بنده را استماع فرموده اند . بنده موافق با امتیاز هستم در صورتی که برای سعادت اولاد ایران باشد .

ولی البته بنده مخالف هستم با امتیازی که صرفه و نفعش برای دیگری باشد و اولاد ایران از این منفعت محروم نمایند البته آقایان هم می دانند ممکن است در ظرف این پنجاه سال قبل از آنکه مدت منقضی می شود نظار این معادن تمام شود و برای ما نفعی باقی نماند و ما نمی توانیم باین امید باشیم که بعد از پنجاه سال نطف برای ما باقی می ماند و آنوقت آن نطف برای ما صرفه و نفعی خواهد داشت و ما باید اینطور تصور کنیم که شاید در مدت بیست سال و سی سال تمام شد و وقتی که ما پس دادند جز پنج شش چاه خالی چیزی بماند و صلت ندهد .

اما اینکه در اینجا می نویسد صدسی اسهام حق اتباع ایران و دولت ایران است

که خریداری کنند اگر چنانچه برای این باشد که ما بتواند این ماده تصریح کرده باشیم خیلی خوبست که بحرف بگوئیم صدسی اسهام مال ما است و ممکن است صد سی و پنج هم مال ما بشود اما همه آقایان می دانند که نه دولت و نه اتباع ایران بيك چنین پول نقدی ندارند که صد سی اسهام را دارا باشند و برای اینکه این مطلب عملی بشود و مصداق خارجی پیدا کند اگر چنانچه کمیانی قدرت دارد که صدسی را برای ما منظور کند بطوری که در اروپا و همه جا معمول است پول قرض می دهند و سود می گیرند و وقتیکه که قرض گیرنده معتبر شد شاید وثیقه هم نخواهند این کمیانی هم خوبست با قرض بدهد وثیقه هم بگیرد چون ما وثیقه داریم و این معنی فقط بيك وثیقه بسیار مهمی است بنده قائل هستم که صد سی و پنج سهام مال دولت و اتباع ایران باشد مشروط بر اینکه خود کمیانی پول در مقابل آن سهام بدهد و سود بگیرد یعنی تزیل دریافت کند . . . (خنده بین بعضی از مصلحان)

کازرونی - بلی آقایان خیلی از این عرض بنده تعجب می کنند و می خندند بنده می بینم از بس آقایان عجله دارند که این نطف زود خارج شود و از طرف بهر خزر و بهر اسود برود هر جا که دلش می خواهد در صورتیکه اینطور نباید باشد باید بر ارض بنده تعمق فرمائید .

وقتی کمیانی می گوید صد سی سهام حق دولت ایران خیلی خوب اگر دولت ایران بخواهد پول قرض کند سود بدهد و آن اوراق را هم بدست خود کمیانی بدهد چه ضرری دارد؟ تجار داخله که با خارجه طرف معامله هستند صد هزار تومان دو بیست هزار تومان میفرستند سود می دهند وثیقه هم ندارند فقط در سایه اختیار است که بتاجر ایرانی می دهند خیلی هم تملق میگویند منتش را هم می کشند حالا اگر دولت ایران هم بخواهد باین وثیقه مهمی که دارد پول قرض کند و سهام بفرد و سود هم بدهد چه عیبی دارد از خود کمیانی قرض کند؟

اگر کمیانی نداشته باشد قرض بدهد آن امری است هیچگاه آنوقت باید عقب برود و بيك کمیانی دارا بیاید که پول بدهد و سود بگیرد و اما نه کمیانی که ندارد باشد و خودش برود از دیگری استقراض و حکم دلال را داشته باشد . در هر صورت بنده عقیده دارم که صد سی پنج حق ایرانی باشد مشروط بر این که کمیانی پول بدهد و در مقابل سود بگیرد و بدولت سهام بدهد

رئیس - آقای مستشار الملک (اجازه)

مستشار الملک - بنده تصور می کنم این مدت یکساله که برای فروش صدسی

سهام معین کرده اند خیلی کم است و اگر دوسال بکنند بهتر خواهد بود و یک نظر دیگر بنده هم راجع به صدی سی است که بدولت ایران و اتباع ایران داده میشود و رعیت - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده عرضم را عرض کردم .
رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی (اجازه)

حاج میرزا مرتضی - عرض می کنم بیاناتی که آقای سهام السلطان در جواب آقای زنجانی فرمودند بنده را اذیت نکرد همانطور که ایشان را هم قانع نکرد و بطوری که آقای زنجانی فرمودند این استثنائی که در اینجا ذکر میشود شامل سایر اتباع خارجه ممکن است بشود و ممکن است سایر اتباع خارجه هم حق خریداری سهام و شرکت با کمیانی را دارا بشوند این که آقای سهام السلطان فرمودند این مگر بر میگردد بجهت آخر ابدأ بنده ملتفت نشدم که جمله آخر لازم است یک چیز مجملی فرمودند که ابدأ و چیزی از او مفهوم نمیشد بایستی درست تشریح کنند بنده باین قسم توضیح قانع نشدم و این ماده کاملاً جلوگیری از این نمی کند که اتباع خارجه شرکت کنند و اعمال آنها هم می شود منتهی می گوید مدیر سهام کمیانی امتیاز گیرنده امریکائی باشد باید ماده طور دیگر باشد که کاملاً از این مطالب جلوگیری نماید و دیگر این که همانطور که آقای مستشار الملک فرمودند مدت یکسال برای خریداری سهام کافی نیست و در مدت یکسال ممکن است نتوانند بخرند و باید اقلاً دوسال مدت قرار بدهند که اتباع ایران بتوانند پول برای خریدن سهام فراهم کنند و سهام برای اتباع ایران باقی بماند و این فرمایشی که آقا فرمودند می توانند با اتباع امریکائی و اگذار نمایند بنده قائل نیستم و یک اصلاح عبارتی را هم لازم می دانم اینجا که نوشته است ، لکن هر سهمی از سرمایه کمیانی یا کمیانی های موز بود را که دولت یا اتباع ایران خریداری نمایند باید مقید باشند باخذند بدولت ایران یا اتباع ایران یا اتباع امریکائی ، خوب دولت جمهور بدولت بفروشد اتباع ایران می توانند بدولت ایران بفروشد ولی دولت ایران که نمی تواند بخردش بفروشد باید عبارت اصلاح شود

سهام السلطان - این که آقای حاج میرزا مرتضی فرمودند که ملتفت نشدم بنده دوجای عبارت را عرض کردم یکی این که تمام سهام سرمایه کمیانی یا کمیانی های تشکیل شده برای هر نوع عملیات این امتیاز باید بقید الفای این امتیاز در صورت

تغلف در تحت مالکیت و تصرف و در دست رعایا یا شرکت های امریکائی باشد الا این که دولت یا اتباع ایران حق دارند تا میزان صدی سی از تمام سرمایه هایی که برای اجرای این امتیاز بکار میرود قیمت باز خریداری نموده مالک شوند در آخر هم ملاحظه بفرمائید نوشته شده است با قید این که شرط سهام موز بر را هیچ کس و در هیچ وقت نتواند مالک باشد مگر این که تبعه ایران یا تبعه دول متحده امریکائی باشد دیگر تصور نمی کنم اشکالی برای ایشان باقی بماند ملاحظه بفرمائید در تمام قسمتها ذکر شده است که هیچ کس غیر از تبعه ایران و امریکائی نمی تواند این سهام را خریداری کند و اصلاح عبارتی هم که فرمودید در عبارت هم تبعه ایران و هم دولت ایران نوشته شده است دولت ایران یا اتباع ایران یا اتباع امریکائی با ترتیب تقدم و تأخر یکدیگر بفروشد ممکن است یک سهام را دولت داشته باشد ما تبعه ایران داشته باشد اگر بخواهند بفروشند یا دولت می فروشد به تبعه ایران اگر نتواند می فروشد با اتباع امریکائی یا بالعکس اگر تبعه ایران داشته باشد بخواهد بفروشد می فروشد بدولت ایران و نتواند می فروشد با اتباع امریکائی اشکالی ندارد

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - در ماده ۸ چنانچه همه آقایان متوجه هستند چندین بحث است اول آنکه صاحب امتیاز آیا می تواند امتیازش را بکسی واگذار بکند یا نه ؟ در اینجا قید میکنند که هیچ تبعه باش که نتواند خارجی نمی تواند اگذار کند مگر بشرکت هایی که مطابق قانون دول متحده امریکائی تشکیل شده و مدیران آن هم امریکائی باشد .

اینجا لازم بود برای اینکه می خواهیم ۵ سال این حق را اواگذار کنیم قانون شرکت های امریکائی را می دیدیم یا دولت لافل که مادر آخر می کنیم که سهام را هیچکس غیر از اتباع ایران و امریکائی نباید بفروشد خودمان که قانون شرکتها را نداریم و از تصویب مجلس شورای ملی نگذشته **محمد هاشم میرزا** - شور اولش شد

سلیمان میرزا - خوب یا شده یا نشده در هر حال از تصویب مجلس نگذشته است پس ما که قانون شرکت رسمی نداریم که فلان ترتیب و فلان ترتیب و فلان ترتیب باشد مگر یک ترتیب عملیات مختلفی که تجار یا سایر اشخاص شرکت کرده اند که انشاء الله آن هم سرمشق نمی شود زیرا ترتیب صحیحی نیست و نباید مطابق آن رفتار کرد پس

در مملکت ما قانون مدونی برای شرکتها نیست قانون شرکت های امریکائی را هم که در کمپون ندیدم شاید دولت دیده باشد لافل خوب بود برای ماها که می خواهیم رأی بدیم میفرستادند که بفهمیم بچه رأی بدیم زیرا برای امر مجهولی رأی دادن آن هم اختیارات ه قطعه از مملکت را در عرض ۵۰ سال (که من یک قسمتش عقیده ندارم و باید ۴ قسمت باشد) برای استخراج نقطه بیک کمیانی دانم غیر منطقی است بنابر این بنده بهتر می دانم که البته از قانون شرکت های امریکائی اطلاع پیدا کنیم بعد از روی علم و اطلاع با سایر قوانین شرکت های دنیا اتباع دول دیگر هم نتواند سهم بخرند یعنی آنطور که بنده دیده ام و اغلب قانون شرکتها نوشته است همه کس می تواند سهام را بخرد حالا شاید در این قانون امریکائی (بنده که ندیدم) اتباع خارجی نتوانند سهم بخرند بنا بر این تا آن قانون نباشد ما نمیتوانیم بچه رأی بدیم و در آخر ماده می نویسیم سهام یا باید با اتباع ایران فروخته شود یا با اتباع امریکائی شاید در قانون شرکت های امریکائی هم حق داشته باشند بخرند آنوقت این تناقض بین اول و آخر ما را چه خواهد کرد و این یک چیزی است که در بدو امر برای ما اسباب زحمت و اشکال است از این جهت بنده این ماده را خیلی ناقص میدانم و تا قانون شرکت های امریکائی راه نینیم گمان نمی کنم بنده یا سایر رفقای بنده یا آقایانی که بعد از این عریض با بنده هم عقیده شوند نتوانند رأی مجهول برای ۵۰ سال بدهند این یک مسئله مسئله دیگر اینکه در اینجا راجع به ترتیب تقسیم سهام صد ۳۰ حق می دهد که دولت یا اهالی ایران بخرند آن هم با قید یکسال کم است و باید بیشتر قرار بدهند در حال این هم یک منتهی تر باشد و چیز خیلی فوق العاده نیست زیرا در حال کمیانی سهام را منتشر میکنند همه می توانند بخرند و آن کسیکه زیاد تر از همه سهام دارد اداره آن شرکت یا کمیانی بدست او است چون اکثریت دارد می تواند امور شرکت را بیل خودش انجام بدهد یعنی در هر کاری که حصول برشود و اجتماع است حکومت با اکثریت است بنا بر این در هر امتیاز و شرکتی آن اهخاص که سعی میکنند نظریات سیاسی یا اقتصادی داشته باشند البته سعی میکنند اکثریت سهام را داشته باشند تا حکومت کمیانی با آنها باشند و در امتیاز چک اسلواک همین مسئله را در نظر گرفته است که اکثریت سهام با دولت باشد نه با امتیاز گیرنده ملاحظه بفرمائید در فصل سوم است که می نویسد :

اولاً سی میلیون کرن یعنی سی صد سرمایه کمیانی مجاناً در مقابل امتیاز که موافق ماده اول داده می شود حق دولت است . ملاحظه بفرمائید اگر برای ما هم یک چنین چیزی بود ما می کنیم در این امتیاز هم یک حق بی ما داده شد و یک قایده برده ایم و سی درصد بدولت ما مجاناً داده شده است یا غیر کمتر از او صد ۱۵ بدولت مجاناً داده است ولی متأسفانه همچو چیزی برای ما در این امتیاز پیشنهاد نشده است هر چند این نکته باید در کلیات گفته شود ولی بنده مصمم بودم این حرف را در این موقع نزنم که قانون نوشتن برای امتیاز کار بی خودی است شاید همچو سابقه در هیچ مجلس دنیا نباشد قانون را باید برای اتباع داخله نوشت ولی در معامله که دو طرف دارد نمی شود قانون نوشت و این یک اسباب زحمتی است و اختراع جدیدی است ما اینجا قانون بنویسیم و بعد فردا طرف بگوید من این شرط را قبول ندارم ولی حالا که داخل شده ایم و اختراع ما می کنیم و برای امتیازات خارجه که کثیران ما قانون می نویسم و یک فصل تازه بر اصول مشروطیت افزوده ایم .

محمد هاشم میرزا - اختراع تازه نیست در همه جا معمول است

سلیمان میرزا - اکثریت و مجلس را داد که داخل در شور مواد بشویم لهذا بنده این عریض را می کنم و گمان میکنم که زحمتان هم چندان مفید نباشد زیرا پس از تمام زحمت ممکن است آن طرف بگوید من فلان شرط را قبول ندارم بنا بر این معامله صورت نمی گیرد و بدینصورت آنطوری که در امتیاز چک اسلواک صد سی سهام را مجاناً بدولت واگذار میکنند در این امتیاز نامه اینطور نیست که بگویم اقلاً یک صرّفه دارد و فقط معین شده است صد سی سهام را دولت و اتباع ایران نتوانند بخرند و در امتیاز چک اسلواک صد سی که مجاناً بدولت واگذار کرده بعد قسمت سوم فصل سوم هم می گوید

خرید بیست و دو میلیون بقیه سه ترتیبی که در ماده دو ذکر شد با اختیار دولت واگذار می شود چنانچه این سهام نود روز از تاریخ اشاعه آن ها توسط دولت خریداری نشد استان دار فرانسه حق دارد قسمت خرید شده را خودش بخرد نماید . عبارت آخری صدی سی که مجاز بدولت چک اسلواک واگذار می شود و دو میلیون را هم خود دولت و اهالی اسلواک می خردند مجموع می شود پنجاه و دو ۵۲٪ و اکثریت سهام کمیانی حکومت کمیانی در مملکت چک اسلواک است و کسی دیگر نمی تواند در آن مملکت اعمال نفوذ بکند چه از نقطه نظر سیاسی چه از نقطه نظر اقتصادی و تمام بیل دولت و ملت چک اسلواک است لاف غیر یعنی

اکثریت سهام در دست آن ها است اگر گفت که باید اینجا را بیشتر بکنی یا امروز مصلحت این است که فلان ماشین را یاری و تصفیه کنی یا فلان لوله را باید بکنی کمیانی مجبور است اینکار را بکند زیرا اکثریت سهام با آن دولت است بنا بر این در مملکت چک اسلواک این مسئله را هم وقت کردند و یک مسئله فنی نیست بلکه مسئله شرکئی است از این مسئله هم صرف نظر نکرده اند که در مملکت شان منافع آنها بیل دیگری نباشد در صورتیکه بدینصورت در این موضوع ما صد سی سهام کمیانی را حق داریم بخریم و فرضاً هم که خریدیم چیز بی فایده است برای اینکه حکومت کمیانی و عملیات آن در دست ما نیست که ما آن را مطابق منافع خودمان اعمال کنیم که امروز در فلان منطقه نفت هست باید چاه زده شده یا فلان عملیات اینطور باید بشود ممکن است صلاح اقتصادی کمیانی یا منافع مامعارض باشد بنا بر این این مسئله نظر بنده از هر چه مهمتر است که حکومت کمیانی با کی باشد حکومت هم توسط دارا بودن اکثریت سهام می شود ما در این امتیاز حکومت نداریم و اینکه اینطور گذشته تقریباً مثل امتیازات قبل از مشروطیت می باشد که تا بحال گذشته است و بطور لافیدی نقلی شده و باید این مسئله را طرف توجه فراداد

که صرفه تجارتنی یک مملکتی مثل صرّفه سیاسی آن مملکت ممکن است با مملکت دیگر مزاحم باشد در این موقع که مزاحم شد مطلع امر رأی صاحبان سهام است هر کس بیشتر رأی داشت او آن صرّفه را می تواند برد و از این امتیاز ماداری اکثریت نیستیم و صاحبان سهام که غیر از ما هستند بیشتر رأی دارند پس صرفه تجارتنی آنها خواهد بود در صورتیکه دولت چک اسلواک این را در نظر گرفته است که صد و پنجاه و دو سهام با آنها تعلق میگیرد و صد و چهل و هشت سهم بصاحب امتیاز و ما باید این فکر را کرده باشیم و اگر آنطوری که قوام السلطنه می گفت که بمتخصصین مراجعه شده است آن متخصصین چه طور فکر صلاح و صرّفه ما را نکرده اند و مسئله باین واضحی را که من خیال می کنم در ترتیب شرکتها و کمیانی ها خیلی واضح است فراموش کرده اند و بر ضرر ما گذاشته اند بملایم طلب دیگری که اینجا هست در صورت القاء است در صورتی که یکی از این فصول و مطالب نگردد چه خواهد شد البته ملفی خواهد شد و همانطور که بنده عرض کردم قسمت اول ماده با قسمت دوم یک اختلافی دارد و در آن موضوع معلوم نیست چه ترتیب معین می کند اگر فرض بفرمائید یک قسمت از سرمایه اش را بد دیگری واگذار نماید و بگوید مطابق قانون کمیانیهای امریکائی رفتار

کرده اند چگونه القاء می شود یک مسئله دیگری که در اینجا پیش بینی نشده است و اگر گذشته است مسئله از دیاد سرمایه است یعنی کمیانی های فرعی ممکن است داشته باشیم و همانطور که بنده عرض کردم در ترتیبات کمیانی های فرعی هم ما ذینفع نیستیم ملاحظه بفرمائید در امتیاز چک و اسلواک این مطلب هم پیش بینی شده است و فصل چهارم آن راجع باز دیاد سرمایه است و ما هیچ وجه راجع باز دیاد سرمایه در این مسئله را در نظر نگرفته ایم در فصل چهارم در این مسئله فنی نیست بلکه مسئله شرکئی است از این مسئله هم صرف نظر نکرده اند که در مملکت شان منافع آنها بیل دیگری نباشد در صورتیکه بدینصورت در این موضوع ما صد سی سهام کمیانی را حق داریم بخریم و فرضاً هم که خریدیم چیز بی فایده است برای اینکه حکومت کمیانی و عملیات آن در دست ما نیست که ما آن را مطابق منافع خودمان اعمال کنیم که امروز در فلان منطقه نفت هست باید چاه زده شده یا فلان عملیات اینطور باید بشود ممکن است صلاح اقتصادی کمیانی یا منافع مامعارض باشد بنا بر این این مسئله نظر بنده از هر چه مهمتر است که حکومت کمیانی با کی باشد حکومت هم توسط دارا بودن اکثریت سهام می شود ما در این امتیاز حکومت نداریم و اینکه اینطور گذشته تقریباً مثل امتیازات قبل از مشروطیت می باشد که تا بحال گذشته است و بطور لافیدی نقلی شده و باید این مسئله را طرف توجه فراداد

که صرفه تجارتنی یک مملکتی مثل صرّفه سیاسی آن مملکت ممکن است با مملکت دیگر مزاحم باشد در این موقع که مزاحم شد مطلع امر رأی صاحبان سهام است هر کس بیشتر رأی داشت او آن صرّفه را می تواند برد و از این امتیاز ماداری اکثریت نیستیم و صاحبان سهام که غیر از ما هستند بیشتر رأی دارند پس صرفه تجارتنی آنها خواهد بود در صورتیکه دولت چک اسلواک این را در نظر گرفته است که صد و پنجاه و دو سهام با آنها تعلق میگیرد و صد و چهل و هشت سهم بصاحب امتیاز و ما باید این فکر را کرده باشیم و اگر آنطوری که قوام السلطنه می گفت که بمتخصصین مراجعه شده است آن متخصصین چه طور فکر صلاح و صرّفه ما را نکرده اند و مسئله باین واضحی را که من خیال می کنم در ترتیب شرکتها و کمیانی ها خیلی واضح است فراموش کرده اند و بر ضرر ما گذاشته اند بملایم طلب دیگری که اینجا هست در صورت القاء است در صورتی که یکی از این فصول و مطالب نگردد چه خواهد شد البته ملفی خواهد شد و همانطور که بنده عرض کردم قسمت اول ماده با قسمت دوم یک اختلافی دارد و در آن موضوع معلوم نیست چه ترتیب معین می کند اگر فرض بفرمائید یک قسمت از سرمایه اش را بد دیگری واگذار نماید و بگوید مطابق قانون کمیانیهای امریکائی رفتار

این است که در مجلس و غیر مجلس باید سعی کرد که صاحب عقیده اکثریت داشته باشد اگر این امتیاز ما سعی کنیم که اکثریت داشته باشیم آنوقت می توانیم مطمئن حاصل کنیم که در این مواد تمهیداتی که می شود بصرفه ما خواهد بود و اگر این فصل باین ترتیبی که عرض کردم اصلاح شود اکثریت سهام و مدیران ما ما شود آنوقت بسیاری از اشکالات من مرتفع میشود و قانع میشوم چون حکومتش در دست خود ماها است و حتماً آن اشخاصی که اکثریت دارند بصرفه مملکت رفتار خواهند کرد در این جا تمام ترتیبات را قید کرده که آقایان خوانده اند بنده هم چون سطر بیشتر نیست می خوانم چنانچه سرمایه از بیست میلیون تجاوز نماید دولت حق دارد مطابق سایر دارندگان سهام و با همان شرایط سهام تازه خریداری نماید اینجا دیگران صد سی سهامی از بین رفته چنانچه سرمایه کمیانی را بوسیله سرمایه های ذخیره شده بخواهند زیاد کنند عموم صاحبان سهام بداشتن سهام جدید متناسب سهام قدیمه معق خواهند بود ملاحظه به فرمائید دولت چک و اسلا و همیشه رعایت این تناسب را کرده است که در تمام مضامین اصلی و فرعی کمیانی اکثریت داشته باشد و این فصل مهم ترین مواد است متأسفانه ما اینجا این حکومت را نداریم بکنند طلب دیگر که باز بنده تکرار میکنم القاء امتیاز و تکلیف سهام است اینجا یک ماده در آخر دارد که ماده نوزده است در آن شبات او حکومت داریم هیچ میدانید چه قسم استفاده از این منابع اقتصادی ما میکنند اگر این راه آقایان تصدیق بفرمائید که باین ترتیب پس از هفت هشت سال دیگر همان تغییراتی که در نفت جنوب (عملیات سیاسی آنرا کار ندارند و عملیات اقتصادی آنرا کار دارند) شده است یقین بدانید که در سمت شمال این پنج ایالت و ولایت هم خواهد شد بنا بر این خوب است از این ضرر تجربه حاصل کنیم و بدون اطلاع یکدفعه حکومت اقتصادی ایالت که بمقیه بنده چهار تا باید باشد در مدت ۵۰ سال از دست ندهیم اینست که بنده عرض می کنم که باید اکثریت سهام را دارا باشیم آقا سید یعقوب فرمودند ما در کمسیون سعی کردیم که یک مدیر داشته باشیم اینهم باز مقصود بنده را تأمین نمیکند زیرا که هر مدیر خواهد بود و هر کدام یک رأی خواهند داشت و ما یک مدیر بخواهیم داشت بنا بر این در اقل قلیل خواهیم بود ملاحظه بفرمائید باین ترتیب با وجودیکه منتهی هم بر ما گذاشته اند و حق داشتن یک مدیر را در کمسیون ما داده اند مملکت کلاه به در جلسه صاحبان سهام و نه در هیئت مدیر و اکثریت داریم بنا بر این باید گفت منفعت اکثریت این کمیانی بیل و صرّفه ما نخواهد بود بنا بر این ما اکثریت نخواهیم داشت و اکثریت در هر جا باشد خیلی خوبست

نموده و یا در امور مذهبی و سیاسی ایران مداخله نمایند که برخلاف تعهدات خودشان باشد مثلاً یکی از تمهیداتی که کرده ایم این است که در ظرف ۶ ماه از انقضای تصویب این امتیاز خبر گان بفرستند و مطالبات مقدماتی بکنند و در ظرف دوسال از ارضی را که باسم منتخبه می نامیم صورت بدهد فرض بفرمائید هشت سال مشغول کار شد و در ظرف این هشت سال صورت ارضی منتخبه را ندارد حتی در اینجا نوشته است که ارضی منتخبه را با رنگ ترسیم نموده اگر بارنگ ترسیم نکرد اگر چه این اشکالی ندارد یا اینکه صورت ارضی را نداد یا از سایر مطابق ماده ۱۹ که خواندیم ما قائل به حکمیت می شویم که دو حکم و یک حکم مشترک می نشیند و حکمیت می میکنند بالترتیب گفتند امتیاز ملفی است در صورت القاء امتیاز در این ماده نوشته است حقوق و اموال صاحب امتیاز مجاناً بدولت تعلق خواهد گرفت تکلیف صاحبان سهام معین نشده است در صورتی که باز اگر امتیاز نامه چک و اسلواک مراجعه نمائیم در آنجا تکلیف صاحبان سهام را هم در صورت القاء امتیاز معین می کند این هم یکی از مسائلی است که باید داشته باشیم فرض بفرمائید امتیاز ملفی شد و حکمهای طرفین هم رأی دارند که صاحب امتیاز تخلف کرده است و باید حقوق و اموال صاحب امتیاز که حقوقی ندارد که ضابطه کذب فقط یک عده مهندسان زیبا فرستاده است حقوق همان امتیاز است و اموالی ندارد اگر در ظرف سه سال بعد باشد نقشه جات بسا داده اند و اراضی منتخبه را معین کرده اند باز حقوقی ندارد و حقوق او همان امتیاز است اما آن اشخاصی که سهام را خریده اند صاحب امتیاز نمی توان فرض کرد زیرا نه حقوق او است نه اموال او است آ یا خود صاحبان سهام می توانند آزادانه نقطه را استخراج کنند ؟ بنده که از این ماده نوزده چیزی ملتفت نشدم آقای قوام السلطنه نیستند که اصلاح بدهند اما اگر آقای مغیر بتوانند بنده را قانع بفرمایند که در کجای این قانون عجیب و غریب معین شده است که در موقع القاء و امتیاز (بعد از پنج سال یا بعد از چندین سال) حقوق صاحبان سهام را کی باید ادا کند خواه تبعه ایران باشند یا امریکائی در صورتیکه در سایر جاهها این ترتیب را معین کرده اند که تقسیم سهام و اکثریت سهام با کیست و بعد در موقع نقل و انتقال چه میشود و در موقع القاء مالکیت سهام یکی تعلق می کرد آ یا صاحبان سهام حق

خواهند داشت آزادانه کار میکنند ؟ در امتیازنامه دولت چک واسلاو این را آزاد گذاشته اند در آنجا می گویند اگر امتیاز ملنی شد صاحبان سهام می توانند استخراج نطق بکنند و مشغول کار شوند ما چون این مسئله را مسکوت عنه گذاشته ایم بنده نمیدانم تکلیف صاحبان سهام چه میشود و این مطلب بیشتر از همه برای بنده اسباب زحمت است زیرا قانون شرکت امتیاز امریکا را ما نداریم و بنام اهالی مملکت و نژاد و اولاد تا پنجاه سال دیگر که منافع اقتصادیشان را ب معرض بیع میکنند نمیخواهیم رای بدهیم در یک مسئله که از برای ما مجهول است که یک قسمتش راجع بخودمان است و تا قانون شرکتهای امریکا در دست ما نباشد نمی توانیم برای بدهیم اینست که بنده بهتر اینرا می دانستم که آقای مخیر توضیح بدهند که در موقع الغاء امتیاز تکلیف صاحبان امتیاز چه خواهد بود بنده که عضو کمیسیون هستم و متأسفانه در آنجا هم در اقلیت هستم در کمیسیون این مطالب را پیشنهاد کردم و خوبست متخصصین که در این مطالب مطالعه کرده اند بفرمایند به بنیم رای آنها چیست و اینکه از طرف دولت گفته می شود در امریکا و سایر جاها به متخصصین مراجعه شده است و با آراء آنها این قانون نوشته شده است در این موضوع متخصصین چه فکری کرده اند این فکر ها را بصره ما کرده اند

باین جهت بنده تقاضا می کنم آقایان موافقت بفرمایند که آن دو قانون طبع شود و بدست نمایندگان داده شود اول ترجمه امتیاز نطق جنوب است که ماهنوز آنرا در کمیسیون نخوانده ایم و فارسی آنرا ندیده ایم .

مخیر - ترجمه شده و در کمیسیون است .

سلیمان میرزا - بنده که ندیدم حضرت والا دوسه های نطق جنوب و حساب نطق جنوب را می دانند اما من که ندیدم فرض بفرمایند سایر اعضاء کمیسیون دیده اند آقایان و کلاه که میخواهند رای بدهند ندیده اند .

حالا که بفرمایند فارسی آن در کمیسیون است سهلتر شده خوبست اداره مباشرت طبع و توزیع کند تا به بنیم این امتیازی که داده ایم بطور است و ضررهای آن در کجا است یکی دیگر هم قانون شرکتهای امریکائی است او را هم اگر دولت در دست دارد از برای ما بفرستند تا طبع شود به بنیم چیزی که از برای پنجاه سال می خواهیم تصدیق کنیم مطابق صرفه ما هست یا نه این است هرایض بنده

مخیر - ترجمه امتیاز نطق جنوب در دایرت نیست اما در چندی قبل طبع و توزیع شد و یک نسخه از آن هم در کمیسیون هست

اما نسبت بقانون شرکتهای کمیانی امریکائی که حضرت والا شاهزاده فرمودند متخصص فنی نمی خواهد مقصود از قانون شرکتهای قانونی است که در همه جا بران عملیات و مرسومات از قبیل معرفی کردن و اساس شرکتهای است و در حقیقت این قانون از نقطه نظر مرسومات ظاهری و اعلام و تفویض شدن شرکت هست اما نسبت به بعضی از عملیات شرکت هست ولی قانون حقیقی قانونی است که ما می گذرانیم و این مطلب یکی از مسائل مسلمه حقوق است قانون کتورات که بین دو نفر بسته می شود قانون حقیقی او است و آنچه در این امتیازنامه ذکر شده باشد مقدم بر تمام قوانین دیگر است فقط اگر یک جزئیاتی از قبیل چیزهای هادی که بطور باید در روزنامه اعلان کنند سهام چطور باشد اینها مربوط می شود بقوانین معنی و چندان اهمیتی هم ندارد اما مسئله دیگری که فرمودند آن قسمتش را که بنده حاضر بودم جواب عرض می کنم در این ماده هشت که نوشته می شود صاحب امتیاز می تواند بآن کمیانی ولی کمیانی های حقوقی را که بموجب این امتیاز نطق دارا است کلام بعضا واگذار نماید ولی صاحب امتیاز مزبور ملزم و مقید است که اداره و نظارت کمیانی یا کمیانیهای مزبوره را در دست داشته اجرا بگذارد و در صورت عدم اجرای این شرط بکلی ملغی خواهد بود علاوه تمام

اسهام سرمایه کمیانی یا کمیانیهای تشکیل شده برای هر نوع عملیات این امتیاز باید بقید الغاء این امتیاز در صورت تغلف در امریکائی باشد اینجا یک اصلاحی با موافقت نظر آقای رئیس الوزراه شده است و آن این است که عبارت در تحت مالکیت و تصرف باین ترتیب نوشته شود که در تحت مالکیت و تصرف کمیانی صاحب امتیاز باشد و اگر بطور دقت ملاحظه بفرمایید این ماده هشت در حقیقت برای جلوگیری از مداخله کردن یک اغراض غیر امریکائی است در سرمایه و عملیات این امتیاز و هر قدر این پیش بینی محکمتر باشد از نقطه نظر سیاست مملکت و سیاست نطق شمال البته بهتر است این عبارت و تصرف در دست رهایی امریکائی باشد پس از مطالعه وقت اینطور احتمال داده می شود که اغراض دیگری باسم رهایی امریکادریاس شرکتهای امریکائی بتوانند سرمایه وارد این شرکت بکنند و کم کم اکثریت آن سرمایه را ببرند و هیچ راه عملی از برای اطمنان این امر نیست مگر اینکه مقید کنیم بهمین کمیانی یا هر کمیانی امریکائی که شد یعنی خود او را مقید کنیم که تا آخرین مدت صاحبان این امتیاز باشد

سابقا هم در پیشنهاد استاندارد همین عبارت عیناً بود ولی وقتی مقایسه کنید نقطی که از آنجا می برند با احتمال خطری که از آنطرف هست بنده بهتر دانستم همان طوری که در امتیاز کمیانی استاندارد پیشنهاد شده بود آن عبارت را اضافه کرده اند که همین کمیانی را که ما می شناسیم و هویت و سرمایه اش را می دانیم همین کمیانی تا آخر عمر این امتیاز مالک اسهام و سرمایه های کمیانی باشد .

(جمعی گفتند مذاکرات کافی نیست) و بعضی گفتند کافی نیست) رئیس - آقایان مذاکرات را کافی می دانند ؟ (جمعی گفتند کافی است و بعضی گفتند کافی نیست) رئیس - پس چند دقیقه تعطیل می شود .

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید) رئیس - آقای آقا سید فاضل (اجازه)

آقا سید فاضل - در این ماده آقایان مذاکراتی کرده اند بنده عرض می کنم باید مقید شود مادام که قوانین شرکت امریکائی مخالف مواد این امتیاز نباشد و در باب صد سی از اسهام که باتیاع دولت ایران فروخته می شود و یکسال هم فرجه قرار داده اند بنده یکسال را کم می دانم حالا فرق این امتیاز با امتیاز چک واسلاو چیست در آنجا صد سی را مجاباً بدولت می دهند و اینجا باید بخرد و یک چیزهایی در جواب گفته شد که بنده هم قانع نشدم که در آنجا محققاً نطق هست راه هم سهل است بنده عرض می کنم در اینجا هم محققاً نطق هست به جهت این که نقطی را که از تحت آورده اند همینطور بدون تصفیه می سوزد و در استر آباد و مازندران هم نطق هست و من نفهمیدم علت این که ثلث سرمایه را بدولت چک واسلاو مجاباً می دهند و در اینجا ما باید بخریم چیست ؟ حالا فرض کنید که باید خریده شود در این صورت بنده یکسال را کم می دانم و عقیده ام این است که بعد از انتشار سهام ثلث آنرا بدولت ایران در ظرف شش سال با قسط بفروشند که هر سالی یک ثلث از قسط را خریداری کنیم نه ای . اگر مذاکره شود که این مدت زیاد است ممکن است صاحب کمیانی یک ربعی از قرار صد شش تهیه کند والا دولت و اتباع ایران موفق بخرید سهام نمی شوند و فقط سواد ملی بیاض خواهد بود

مخیر - باین نظریه که آقای آقا سید فاضل اظهار می فرمایند گمان می کنم بشود تا حدی موافقت کرد باین معنی در موقعی که شور ثانی قانون

در کمیسیون خواهد شد در آنجا یک مذاکره می کنم و بنده تصور می کنم اگر این شرکتهای امریکائی هم در یک مدت مدتی مثلاً در ایران برای دولت این حق را نگاهداریم برای اینکه وقتی شروع بعمل شد بتواند داشته باشد و اگر نطق داشته باشد این اختیار همیشه در دست دولت هست و اگر نقطه نظر اینست که فاضل فرمودند من در اقلیت بودم و مقابله این بود که هیچ اشکالی نداشت غیر اشکالات ما بیشتر بود اگر مراجعه بصورت جلسه کمیسیون بفرمایند معلوم می شود و اینکه فرمودند هیچ قانونی در دنیا نیست که برای امتیاز نوشته شود حرف عجیبی است در روسیه واد کوبه قانون هست که هر کس می خواهد چاه نطق حفر کند باید مطابق قانون مواد التزام بدهد یا متعهد شود اشکالی ندارد این موادی هست که ما می خواهیم بزیاده بگذاریم می گوئیم باین شرایط ما قبول می کنیم و برای ما صرفه دارد و کمتر از این برای ما صرفه ندارد کسی پیدا شد می دهیم پیدا نشد نمی دهیم چندین سال مانده است ده سال دیگر هم بماند لذا اشکالی نیست که ما این مواد را بگذاریم و هر کس باین بیست و هفت ماده حاضر است با او اگذار می کنیم و بنده از آن حرف شاهزاده سلیمان میرزا تعجب می کنم

(بعضی گفتند مذاکرات کافی است و جمعی گفتند کافی نیست)

در کمیسیون خواهد شد در آنجا یک مذاکره می کنم و بنده تصور می کنم اگر این شرکتهای امریکائی هم در یک مدت مدتی مثلاً در ایران برای دولت این حق را نگاهداریم برای اینکه وقتی شروع بعمل شد بتواند داشته باشد و اگر نطق داشته باشد این اختیار همیشه در دست دولت هست و اگر نقطه نظر اینست که فاضل فرمودند من در اقلیت بودم و مقابله این بود که هیچ اشکالی نداشت غیر اشکالات ما بیشتر بود اگر مراجعه بصورت جلسه کمیسیون بفرمایند معلوم می شود و اینکه فرمودند هیچ قانونی در دنیا نیست که برای امتیاز نوشته شود حرف عجیبی است در روسیه واد کوبه قانون هست که هر کس می خواهد چاه نطق حفر کند باید مطابق قانون مواد التزام بدهد یا متعهد شود اشکالی ندارد این موادی هست که ما می خواهیم بزیاده بگذاریم می گوئیم باین شرایط ما قبول می کنیم و برای ما صرفه دارد و کمتر از این برای ما صرفه ندارد کسی پیدا شد می دهیم پیدا نشد نمی دهیم چندین سال مانده است ده سال دیگر هم بماند لذا اشکالی نیست که ما این مواد را بگذاریم و هر کس باین بیست و هفت ماده حاضر است با او اگذار می کنیم و بنده از آن حرف شاهزاده سلیمان میرزا تعجب می کنم

(بعضی گفتند مذاکرات کافی است و جمعی گفتند کافی نیست)

رئیس - آقایان از طرف هشت نفر از آقایان راجع به مسکوت عنه مانده نظر با هیئت مواد ۹۰ و ۱۰۰ و لزوم کس اطلاع از متخصصین و نظر باین که رئیس کل مالیه نظریات خود را بدولت تقدیم کرده ولی هنوز آن نظریات با اطلاع اعضاء کمیسیون و آقایان نمایندگان نرسیده . امضا کنندگان ذیل پیشنهاد می کنیم که مواد ۱۰۰ و ۹۰ فعلاً شور نشده و ماده یازده تحت شور گذاشته شود .

چند امضا مخیر - بنده مخالفی ندارم و موافقم . رئیس - باید رای گرفته شود آقایانی که این پیشنهاد را تصویب میکنند قیام بفرمایند .

(اکثر نمایندگان قیام نمودند) رئیس - تصویب شد . آقای محمد هاشم میرزا .

(اجازه) محمد هاشم میرزا - بنده گمان کردم این پیشنهاد راجع بماده هشتم است حالا معلوم شد راجع بماده ۱۰۰ و ۹۰ است رئیس - در ماده هشتم همان نظری که مذاکره شده می شود .

محمد هاشم میرزا - ایرادی را که آقای آقا سید فاضل داشته در اینکه یکسال کم است اولاً اینطور نبود وقتی که این لایحه را بکمیسیون آوردند یکسال از تاسیس شرکت بود بعد آقای رئیس الوزراه و اعضاء کمیسیون یکسال مدت معین کردند و این بیاناتی که شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند بنده بایک قسمش موافق بودم ولی تعجب داشتم که در این مدت یعنی دوسه ماه قبل از این چرا بکمیسیون ننگفته و باین خیال نیفتاده بودند که قانون

شرکتهای بخوانند و اگر بفرمایند چند جلسه که نبوده اند بقیه جلسات که حاضر بودند بنده تقریباً بیست ایراد کرده ام چندین ایراد هم در حق آقایان مدرس و ارباب کبخی و هم چندین ایراد داشتند و گمان نمی کنم شاهزاده بکمیسیون ایرادی داشته باشد و اگر در کمیسیون قیام فرمودند گمان می کنم زود تر محل میشد هیچ اشکالی نبود و اینکه فرمودند من در اقلیت بودم مقابله این بود که هیچ اشکالی نداشت غیر اشکالات ما بیشتر بود اگر مراجعه بصورت جلسه کمیسیون بفرمایند معلوم می شود و اینکه فرمودند هیچ قانونی در دنیا نیست که برای امتیاز نوشته شود حرف عجیبی است در روسیه واد کوبه قانون هست که هر کس می خواهد چاه نطق حفر کند باید مطابق قانون مواد التزام بدهد یا متعهد شود اشکالی ندارد این موادی هست که ما می خواهیم بزیاده بگذاریم می گوئیم باین شرایط ما قبول می کنیم و برای ما صرفه دارد و کمتر از این برای ما صرفه ندارد کسی پیدا شد می دهیم پیدا نشد نمی دهیم چندین سال مانده است ده سال دیگر هم بماند لذا اشکالی نیست که ما این مواد را بگذاریم و هر کس باین بیست و هفت ماده حاضر است با او اگذار می کنیم و بنده از آن حرف شاهزاده سلیمان میرزا تعجب می کنم

(بعضی گفتند مذاکرات کافی است و جمعی گفتند کافی نیست)

رئیس - رای می گیریم آقایانیکه مذاکرات را کافی می دانند قیام فرمایند (اغلب نمایندگان قیام نمودند) رئیس معلوم میشود کافیست (سبزه قفله پیشنهاد بضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم ماده هشتم قانون امتیاز نطق چنین نوشته شود صاحب امتیاز حق دارد این امتیاز را یا قسمتی از آنرا بفرز اتباع امریکادولت یا اتباع ایران واگذار کند و همچنین کسانی که از اتباع امریکا یا ایران در این امتیاز ذیعق می شوند خواه بیک واسطه یا وسایط متعدده باشد حق ندارند بفر اتباع امریکا و دولت و اتباع ایران در صورت تغلف این امتیاز لغو باطل خواهد بود

صاحب امتیاز و کسانی که در آن ذیعق می شوند و پس از تصمیم باستخراج نفت خودشان برای سرمایه این کار اسهامی صادر می نمایند یا یک یا چند کمیانی از اتباع امریکا و ایران فقط مطابق قوانین ایران یا دول متعدده امریکائی تأسیس شود ولی در هر صورت اتباع غیر از دول متعدده امریکا و ایران حق شرکت در این تأسیس و داشتن اسهام ندارند

(محمد ولی)

باشد حق خریداری اسهام صادره از کلیه سرمایه برای دولت و اتباع ایران کمتر از ۴۰ درصد نخواهد بود و این حق از روزی که اطلاع صدور اسهام بدولت ایران رسماً رسیده تا یکسال شمسی محفوظ خواهد بود و این حق غیر اسهامی است که دولت ایران در سرمایه مجاناً خواهد داشت صاحب امتیاز در امتیاز یا در اسهام ذیعق هستند مکلفند که هر عمل نقل و انتقال و تشریکی که در حق خود بعمل می آورند در ظرف یکماه بدولت ایران در طهران اطلاع دهند در صورت تغلف و نقل یا تشریک اسهام بفر اتباع امریکا یا ایران و تغلف از اطلاع دادن نقل یا تشریک و سایر عملیات بدولت ایران عملی که واقع شده ملغی و باطل خواهد بود

(ابراهیم زنجانی) بنده پیشنهاد می کنم که بعد از جمله تشکیل شود نوشته شود بشرط عدم مخالفت قوانین دول متعدده با شروط این امتیاز و ایضاً جمله کلام بعضاً حذف شده و نوشته شود تا یک ثلث ونیز عبارت در صورت تغلف در تحت مالکیت این قسم نوشته شود در صورت تغلف از رعایت شرط مالکیت الخ

(شیخ الاسلام اصفهانی) این بنده پیشنهاد می نماید که مدت خریداری صدی سی اسهام برای دولت و اتباع لاقبل دوسال باشد (مستشار الملک)

بنده پیشنهاد می نمایم در ماده ۸ بعد از جمله تبعه خارجه واگذار شود جمله ذیل هم علاوه شود (یا رهن گذاشته شود) (حاج سیدالحقین)

بنده پیشنهاد می کنم ماده ۸ این قسم نوشته شود ماده ۸ این امتیاز نمی تواند در هیچ موقع بهیچ دولت خارجی یا هیچ خارجی یا یک یا چند نفر تبعه خارجه واگذار شود و همچنین واگذاری آن بدیگری غیر اتباع دولت امریکا یا اتباع دولت علیه ایران (بهیچ شکن و یا بهیچ طریق ممکن نخواهد بود صاحب امتیاز می تواند یک یا چند کمیانی تشکیل بدهد که مطابق قوانین ایران یا دول متعدده امریکائی تأسیس شود ولی در هر صورت اتباع غیر از دول متعدده امریکا و ایران حق شرکت در این تأسیس و داشتن اسهام ندارند

(حسن الحسینی الکاشانی) پیشنهاد می کنم ماده ۸ بطریق ذیل اصلاح شود این امتیاز نمی تواند در هیچ موقع بهیچ دولت خارجی یا هیچ شرکت خارجی یا یک یا چند نفر تبعه خارجه واگذار شود و همچنین واگذاری آن بدیگری غیر اتباع دولت امریکا یا اتباع دولت علیه ایران (بهیچ شکن و یا بهیچ طریق ممکن نخواهد بود صاحب امتیاز می تواند یک یا چند کمیانی تشکیل بدهد که مطابق قوانین ایران یا دول متعدده امریکائی تأسیس شود ولی در هر صورت اتباع غیر از دول متعدده امریکا و ایران حق شرکت در این تأسیس و داشتن اسهام ندارند

(کازرونی)

بنده پیشنهاد می کنم مدت خرید صدی سی اسهام که اختصاص باتیاع ایران داده شده است دوسال بشود (حاج میرزا مرتضی) سید فاضل کاشانی پیشنهاد می نماید بجای (در ظرف یکسال) نوشته شود در ظرف ۶ سال بقسط السنین هر سالی سدس آن را خریداران سهام صدی ۴۰ خواهند پرداخت و در سه سال آخر ۶ سال ربع از قرار صدی ۶ خریداران بکمیانی خواهند داد

بنده پیشنهاد می کنم ماده ۸ اینطور اصلاح شود صاحب امتیاز می تواند یک یا چند کمیانی از تبعه امریکا تشکیل دهد الخ دولت آبادی

بنده پیشنهاد می کنم ماده ۸ دوامه بترتیب ذیل شود ماده ۸ این امتیاز را نمی توان در هیچ موقع بهیچ دولت خارجی یا هیچ شرکت خارجی واگذار نمود مگر دولت امریک و شرکت امریکائی باشد و همچنین صاحب امتیاز نمی تواند امتیاز و حقوق خود را بهیچ کمیانی غیر از امریکائی واگذار نماید و نیز نمی تواند شرکتی دیگر تأسیس یا کمیانی دیگر تأسیس نماید مگر آن شرکت و کمیانی امریکائی یا مرکب از امریکائی و ایرانی باشد

و در صورت تغلف از مفاد این ماده این امتیاز لغو و از درجه اعتبار ساقط خواهد بود . ماده ۹ - صاحب امتیاز باید صدی سی و پنج از تمام سهام و سرمایه هائی که برای اجرای این امتیاز بکار میرود برای خریداری اتباع ایران بقیمت معلومی در ظرف دو سال بمرض فروش بگذارد که خریداری کرده و مالک شوند و صاحبان سهام حق فروش آن سهام را که خریداری کرده اند باتیاع خارجه ندارند مگر اتباع دولت امریکا و ایران و صدی پانزده از این سهام را نیز مجاناً بدولت واگذار نماید که نظارت تام بدولت ایران باشد آنچه در برین نوشته شده حذف شود

بنده پیشنهاد می کنم که بجای جمله های والا اینکه دولت یا اتباع ایران تا مدتی که تبعه ایران یا تبعه دولت متعدده امریکا باشد

بنده پیشنهاد می کنم که بجای جمله های والا اینکه دولت یا اتباع ایران تا مدتی که تبعه ایران یا تبعه دولت متعدده امریکا باشد

بنده پیشنهاد می کنم که بجای جمله های والا اینکه دولت یا اتباع ایران تا مدتی که تبعه ایران یا تبعه دولت متعدده امریکا باشد

بنده پیشنهاد می کنم که بجای جمله های والا اینکه دولت یا اتباع ایران تا مدتی که تبعه ایران یا تبعه دولت متعدده امریکا باشد

اینجانب پیشنهاد می نماید درابتدای ماده ۸ نوشته شود این امتیاز و حقوقی که از آن ناشی می شود در سطر دوم بعد از کلمه (واگذار) نوشته شود (یا رهن گذاشته شود و در سطر ۱۲ نوشته شود در تحت مالکیت و تصرف اتباع امریکائی باشد و ایضاً در سطر ۱۵ بعد از جمله (به قیمت بازار) افزوده شود (یا بقیمت صدور هر یک موافق صرفه ملت ایران باشد) (محمد علی مافی)

بنده پیشنهاد می کنم که از برای اینکه معلوم شود که ثلث سرمایه اسهام حق دولت و اتباع ایران است معلوم شود که درجه مدت صلاح است نوشته شود باید مبلغ سرمایه معلوم باشد ثلث موهوم را یکسال یا دوسال یا سه ساله که نوشته شود تأمین مصالح نمی کند

بنده پیشنهاد می کنم که از برای اینکه معلوم شود که ثلث سرمایه اسهام حق دولت و اتباع ایران است معلوم شود که درجه مدت صلاح است نوشته شود باید مبلغ سرمایه معلوم باشد ثلث موهوم را یکسال یا دوسال یا سه ساله که نوشته شود تأمین مصالح نمی کند

بنده پیشنهاد می کنم که از برای اینکه معلوم شود که ثلث سرمایه اسهام حق دولت و اتباع ایران است معلوم شود که درجه مدت صلاح است نوشته شود باید مبلغ سرمایه معلوم باشد ثلث موهوم را یکسال یا دوسال یا سه ساله که نوشته شود تأمین مصالح نمی کند

بنده پیشنهاد می کنم که از برای اینکه معلوم شود که ثلث سرمایه اسهام حق دولت و اتباع ایران است معلوم شود که درجه مدت صلاح است نوشته شود باید مبلغ سرمایه معلوم باشد ثلث موهوم را یکسال یا دوسال یا سه ساله که نوشته شود تأمین مصالح نمی کند

بنده پیشنهاد می کنم که از برای اینکه معلوم شود که ثلث سرمایه اسهام حق دولت و اتباع ایران است معلوم شود که درجه مدت صلاح است نوشته شود باید مبلغ سرمایه معلوم باشد ثلث موهوم را یکسال یا دوسال یا سه ساله که نوشته شود تأمین مصالح نمی کند

بنده پیشنهاد می کنم که از برای اینکه معلوم شود که ثلث سرمایه اسهام حق دولت و اتباع ایران است معلوم شود که درجه مدت صلاح است نوشته شود باید مبلغ سرمایه معلوم باشد ثلث موهوم را یکسال یا دوسال یا سه ساله که نوشته شود تأمین مصالح نمی کند

بنده پیشنهاد می کنم که از برای اینکه معلوم شود که ثلث سرمایه اسهام حق دولت و اتباع ایران است معلوم شود که درجه مدت صلاح است نوشته شود باید مبلغ سرمایه معلوم باشد ثلث موهوم را یکسال یا دوسال یا سه ساله که نوشته شود تأمین مصالح نمی کند

لازمه بجهت امتیاز لازم بدانند الخ در این جا حکم اراضی که بخواند حفر چاه و استخراج نفت بکنند معین نشده است بعد از آن هم می گوید اراضی متعلق باشخاص را که برای مقاصد فوق الذکر لازم بدانند لازمه اش این می شود که مال اراضی مردم را برای حفر چاه و استخراج نفت مباح کنیم و بیخشیم و چنین چیزی ممکن نیست بعضی از اعضاء محترم کمسیون هم بنده عرض کردم اظهار فرمودند که اگر یک کلبه از دوهزارت افتاده مقصود ما این بوده است که هر تصرفی در املاک غیر می شود باید به رضایت او باشد این است که بنده لازم می دانم در اینجا که نوشته شده است هر قدر از اراضی غیر مزروع بایر متعلق بدولت را که مهندسین صاحب امتیاز برای حفر چاه و استخراج نفت و ساختن تاسیسات الی (آخر) این دو جمله اضافه شود (که حقوق ذوی العتوق محفوظ بماند)

رئیس - آقای نجات

(اجازه)

آقای میرزا محمد نجات - در این ماده می نویسد اراضی که متعلق باشخاص است بایستی با تراضی طرفین صاحب امتیاز معامله کند اگر در اراضی که مال اشخاص است معادن نفتی یافت شد باید ببینیم این معادن متعلق باشخاص است یا مال دولت است .

رئیس - آقای سلیمان میرزا

(اجازه)

سلیمان میرزا - بنده مخالفم
رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی (اجازه)
حاج میرزا مرتضی - بنده اعتراض آقای شیخ الاسلام را وارد نمی دانم اگر چه ذکرش هیجی ندارد ولی ذکر شده است می گوید صاحب امتیاز برای ساختن تاسیسات و لوازم کارخانهجات تصفیه الی آخر ممکن است چاههای نفتی هم جزء لوازم کار محسوب شود و اما اینکه آقای نجات فرمودند که چاههایی ممکن است در اراضی مردم پیدا شود تصور می کنم نوشته باشد که اگر پیدا شود متعلق بدولت است ولی تراضی طرفین شرط است ممکن است آنها را اراضی کنند هر قدر از اراضی که برای تاسیسات یا حفر چاه لازم است بیک قیمتی بخرد یا اجازه کند

رئیس - آقای سلیمان میرزا

(اجازه)

سلیمان میرزا - در ماده یازدهم مطلبی که معین می کند و حقی که بصاحب امتیاز می دهد مالکیت اراضی است که برای استخراج معادن نفت لازم بماند و او را در ماده ۱۱ چند قسم کرده است قسمت اول مال دولت قسمت دوم مال مردم در قسمت مال دولت هم آن را دو قسمت کرده یکی

اراضی غیر مزروع و بایر متعلق بدولت که متخصمین صاحب امتیاز لازم بدانند و طرف احتیاج دولت هم نباشد برای ساختن بعضی تاسیسات راه و ترتیبات عام المنفعه آتوق مجاناً واگذار کند و آنچه را که مزروع و متعلق بدولت باشد کمیانی قیمت عادلانه از دولت می خرد و در قسمت مال مردم باید بارضایت مالکین و شرایط مرضی طرفین خریداری کند و شرحی هم در ذیل دارد که اگر بالفرض صاحبان ملک یک شرایطی کردند که مرضی طرفین نشود و از قیمت عادلانه زیاد تر است آن وقت دولت مداخله خواهد کرد که باو اجحاف نکنند می گوید هر گونه اراضی متعلق باشخاص را که برای مقاصد فوق الذکر لازم بدانند بارضایت مالکین و شرایط مرضی طرفین خریداری یا برای تمام مدت امتیاز اجاره می نماید و در صورت اختلاف بین مالکین اراضی و صاحب امتیاز دولت اراضی بارهایت خصوصیات معلی اجحاف شود مطلب دیگر در باب فروش اراضی است به کمیانی که در حقیقت حرف و بوج است و چیز ناقابل است و اگر چاههای نفتی سابقاً در این قطعات بوده است و اهالی از آن استفاده می کرده اند کمیانی وقتی آن را تصرف کرد باندازه که آنها استفاده میکنند بآنها خواهد داد خودمان اوضاع ملکتمان را می دانیم تقریباً چاه های نفتی که مقدار کثیری اهالی محل از آن استفاده کنند نداریم اگر یکی دو نقطه باشد که نفت بردارند دو سه خروار فقط سیاه و یک حقی نیست که بر رهایابی مملکت منت گذاشته باشد اما آنچه را که بنده اشکال دارم در قسمت اول یعنی انتقال اراضی است و این مسئله را باز بنده خیلی مهم می دانم زیرا ما هنوز قبول نکرده ایم که دیگران بتوانند حق مالکیت و خریداری در بعضی اراضی داشته باشند و از طرف دیگر بیان کرده اند کمیانی حق دارد اراضی منتخبترا به نسبت صد ۱۵ از برای خودش از کلبه این ۵ ایالت و ولایت که بنده طرفدار چهارتا هستم در آنجا برای خود مخصوص کند و هر جا که برای استخراج نفت لازم بماند و جزء اراضی منتخبترا می تواند خریداری یا از برای مدت ۵۰ سال اجازه کند تصور بفرمائید این منطقه فقط خیز که بیشتر به گیلان و مازندران و استرآباد و آذربایجان و قسمتی از خراسان برمی گردد مجزی خواهد شد و بقیده بنده بعد معلوم خواهد شد اراضی منتخبترا که اجاست و موضوعش این است که این منطقه فقط خیز است و بعد از آنکه مقدارش را متخصمین معین کردند اگر دارای این صفات ۳ گانه بود یعنی ببرد دولت نمی خورد و باثر بود مجاناً خواهد

گرفت و اگر ببرد دولت می خورد و دائر بود بقیمت عادلانه بخرد و چنانچه مال مردم بود شرایط مرضی طرفین بنده اشکال در قسمت آخرش دارد بعد از آنکه فرضاً کمیانی آمد و بیکصداری اراضی از طرف دولت باو واگذار شد یا خرید حق مالکیت از برای او بعد از این معامله ثابت میشود در مملکت ما کسی که دارای حق مالکیت شده معلوم است چه حقوقی دارد وقتی قائل شدیم که صد ۱۵ اراضی را انتخاب کند آیا همان حق را دارد که بنده و سر کارداریم اگر یک اراضی داشته باشیم ما که در نظر نداریم که او بعد از مالکیت دارای این حق باشد فقط این مالکیتی را که ما می گوئیم مالکیت با استخراج نفت است و مقصودمان مالکیت اعم که سایر ملاکین دارند نیست و مخصوصاً ملاحظه بفرمائید این مسئله هم خیلی مهم است و باز در قرارداد چک و اسلواک که ترجمه اش در دست ما است قید کرده است حق مالکیت بادولت است و اراضی متعلق بدولت بوده و واگذار کرده است نه حق مالکیت حق مالکیت یک چیز دیگری را هم شامل میشود در این قرارداد نوشته است بوجوب بخشش نامه دهم نوامیر ۱۹۰۱ بدولت چک و اسلواکی متعلق و در میان سه در دفتر وزارت معادن در تحت نمره ۳۳۲۵ ثبت میباشد و واگذار بکمیانی میشود ولی مالکیت این منطقه کافی السابق با دولت چک اسلواک خواهد بود و باین قید آنچه بنده ملتفت شدم این قانون خیلی ناقص است و آقایان باید طرف توجه قرار دهند زیرا اگر این اراضی باین ترتیب در تحت عنوان حق مالکیت بدولت واگذار گردید فردا بیک کمیانی داخله یا خارجه و امتیاز معادن آهن را دارد و در این قسمت صد ۱۵ یک معدن آهن یا چیز دیگری بود آن صاحب امتیاز جدید میخواهد آن معدن آهن را استخراج کند اگر مالکیت را بشام معنی قبول بفرمائید تازه او باید رضایت این کمیانی را بدست بیاورد و اجازه تحصیل که در آن قسمت اراضی منتخبترا شروع با استخراج سایر معادن بشاید با فرضاً می خواهم راه آهن بکشیم و اتفاقاً مبر آن در اراضی منتخبترا واقع شد در این صورت بازرجم او است در صورتی که اگر مالکیت با اهالی و خود دولت باشد فقط مالکیت در تحت این عنوان باشد کمیانی خواهد شد استخراج نفت کند این معظور را در برای طهران است با ۵۰ سال قبل بسنجیم از وقتی که دروازه هابیان طرف آمد آن اراضی قیمتش یک مرتبه تنزل کرد و حالا نمی شود اراضی این طرف شهر را با آن طرف شهر سنجید اگر فراهم راه آهن بیک طرف از مملکت کشیده شود اراضی وقتی آینه گان ما میباید می خواهند از

اقتصاد خودشان یک فوایدی ببردند ما یک سد و مانعی جلو آنها نگذاشته باشیم چنانچه سابقین ما در دادن امتیاز این دقت را نکرده اند بنده طرفدار این هستم که قید شود حق مالکیت باستثناء استفاده از نفت بادولت یا مالکین محلی خواهد بود در این امتیاز چک و اسلواکی وقتی دقت کنیم می بینیم همه چیز را که حق استفاده خود بود است در نظر گرفته و ما خیلی چیز ها از آن نکرده ایم از جمله اعضاء و مدیرها و حق حاکمیت منظور باشد و یک مسئله هم اینجا هست که بیشتر با آقایانی است که ترتیبات شرعی و فقهی را بهتر می دانند بنده در صورتی که صاحب ملک است و اراضی نمی شود ملک را بدولت بفروشم دولت می تواند مرا ملزم کند ملک را بفروشم و این موافق با شرع هست یا نه .

(جمعی گفتند خیر)

جوابش با آقایان است که اطلاعاتشان کامل است بنده فقط برای تذکر به عرضشان رساندم که ببینم آیا می توان این حق را بدولت و صاحب امتیاز داده در صورتی که بگوید این ملک را زرعی فلان قیمت می فروشم و صاحب امتیاز نمی خواهد بآن قیمت بخرد دولت می تواند در این کار مداخله بکند در اینجا نوشته شده است دولت مراقبت در اینکار خواهد داشت که در فروش و اجاره از اجنبی بارهایت خصوصیات معلی اجحاف شود هر چند انت مراقبت خیلی ملایم نوشته شده و اجباری در بین نیست ولی در موقع عمل معلوم است چه طور مراقبت می کند یعنی حکم میکند که بفلان قیمت عادلانه بفروشد و می گوید ملک مجاور شما باین قیمت است باید بهین قیمت بفروشد آقایانی که موازین شرعی را در نظر دارند بفرمائید که همچنین حقی را میتوان بدولت داد یا نه چنانچه شنیده می شود اغلب می فرمائید خیر .

مسئله دیگر این است که می گوید باید بقیمت عادلانه بفروشد و اجحاف ننماید ممکن است یک نفر یک ملک داشته باشد در اوزراعت کند و اطلاع نداشته باشد که در اینجا معدن نفت هست و اگر ملک عادلانه حساب کنیم شاید جریبی ۵ تومان قیمت داشته باشد اما می شود ۵ میلیون از او استفاده کرده قیمت عادلانه او را ترقی میکند زیرا با اهالی و خود دولت باشد فقط مالکیت در تحت این عنوان باشد کمیانی خواهد شد استخراج نفت کند این معظور را در برای طهران است با ۵۰ سال قبل بسنجیم از وقتی که دروازه هابیان طرف آمد آن اراضی قیمتش یک مرتبه تنزل کرد و حالا نمی شود اراضی این طرف شهر را با آن طرف شهر سنجید اگر فراهم راه آهن بیک طرف از مملکت کشیده شود اراضی وقتی آینه گان ما میباید می خواهند از

قیمتش ترقی می کند این مسئله را گمان می کنم اشخاصی که مالک هستند بیشتر دقت بفرمایند که در آتیه اسباب زحمت از برایشان فراهم نشود که اراضی آن ها را بیک قیمت نازل بخرند هر چند همیشه بنده تکرار می کنم وظیفه ماها این است که سعی کنیم منافع عمومی را در نظر داشته باشیم منتهی بنده و سایر آقایان که با بنده شریک هستند بیشتر منافع ملحجات و اشخاص کارگزار دفاع می کنیم ولی چون مالکین هم اهالی مملکت هستند در اینجا هم از منافع عمومی مملکت دفاع می کنیم خلاصه این دو اشکال بنظر بنده وارد است و در هیچ کدام ذینفع نیستیم اگر چه در اولی ذینفع هستیم اما آن حق حکمت و قضیت اجتهادی و حل قضیه را نداریم این دو اشکال یک مسئله شرعی است که آقایان باید آن را حل کنند یکی هم راجع بنظر مالکین است که آن هائی که ذینفع هستند باید بیشتر دقت بفرمایند ضرری به آن ها متوجه نشود

مخبر -

یک قسمت از اعتراضات شاهزاده سلیمان میرزا در ماده هشتم بود و اگر چه ظاهرش خیلی صحیح است ولی در حقیقت با مطالعه کامل این امتیاز معلوم می شود که وارد نیست یکی راجع بمالکیت بود چنانچه قبلاً در جواب یکی از آقایان دیگر عرض کردم قانون حقیقی و مسلم بین دولت ایران و کمیانی در موقع معامله این قانون خواهد بود این قانون و کتتراتی که اعضاء میشود برتری بشام قوانین دیگر خواهد داشت و نسبت بکمیانی و معاملات کمیانی و دولت ما آن چیزی را که به کمیانی حق می دهیم از هر حیث که باشد مالکیت یا غیر مالکیت از نقطه نظر استفاده نفتی است و چیز دیگری نیست چاه باید بکنند برای نفت کارخانه وارد می کنند برای تصفیه اولیه می کشند برای بردن نفت و هیچ حق دیگری ندارد برای اینکه به آنجا برسد البته باید اختیار داشته باشد حفر چاه بکند یا راه آن حفر چاه و استخراج نفت را بخرد و باو بدهد و این مطلب قید شود حقوق مالکیت اوقفت از نظر حفر چاه است بنده عرض می کنم این قید هست تمام مواد این امتیاز و قانون از برای عملجات نفتی است و هیچ حق دیگر ندارد و اگر ملاحظه فرموده باشید در مواد دیگر این امتیاز در بعضی جاها که رای داده شده از قبیل تصادف با راههای شوسه موجود و چیز های دیگری که بعد بخوانند تاسیس کنند تصریح شود که کمیانی غیر از حقوق مربوط به مسئله نفت و استفاده نفتی حق دیگری ندارد حضرت والا خیلی نسبت با امتیاز نفت چک و اسلواک تمتع فرموده اند و بنده خیلی خوشوقت و خوشحالم که ببینم

یک خدمت مفیدی در ترجمه امتیاز کرده ام و خیلی خوشوقتم که حضرت والا اورا خوب مطالعه فرموده اند و خیلی هم متذکر می شوند . . .
سلیمان میرزا - چیز دیگری نیست .
مخبر - ولی در این مورد متأسفانه تذکری که بامتیاز چک و اسلواک دادند تطبیق با قضیه نمی کند از برای اینکه ملاحظه بفرمائید ما در این امتیازی که می خواهیم بدهیم و در این قانونی که می خواهیم وضع کنیم پیش بینی کرده ایم بعد از انقضای مدت امتیاز یعنی پنجاه سال یا کمتر در صورتیکه یکی از مواد آن لغاء شود ما پیش بینی کرده ایم که کلیه دارائی کمیانی از هر حیث خواه اراضی باشد خواه چیزهای دیگر تمام برمی گردد بدولت ملاحظه بفرمائید در امتیاز چک و اسلواک هیچ همچنین قبلی نیست ابتدا بو کشت بدولت نمیکند باین ملاحظه مجبور است در آن قسمت از اراضی که دولت برای استخراج نفت واگذار می کند که حقیقتاً اراضی خالصه او است که می گوید بوجوب بخششنامه مورخه فلان بدولت واگذار شده دیگر اینطور نیست بعد از آنکه مدت امتیاز تمام شد بخود او بر گردد و نبودن این قید برای اینست که در ممالک خارجه حق استملاک دارند و ملک هم می خردند و مال آنها می ماند و همه نوع معاملات با او میکند ولی ما چون آن سابقه را نداریم و نمی خواهیم بگذاریم اینهم یک بحث دیگر است که آیا صحیح است یا نه ما قید کردیم این املاک اراضی باید بر گردد و در اینصورت نمی توانیم با ماده امتیاز چک و اسلواک تطبیق بکنیم در حال بنده از این توضیحی که عرض میکنم هیچ مانع نیستیم در بین الشوری در که کمسیون یک نظریاتی بشود و این قضایا را واضح کنیم هیجی ندارد ولی خواستم آقایان مستحضرباشند که در مواد این قانون رعایت شده است و بهیچ وجه آن نقطه نظر را داشتند که حقوق مالکیت فیراز حقوقیکه در خصوص نفت داده می شود داشته باشد و البته همانطور که فرمودند جوابش با آقایان فقهای مجلس است فقط می خواهیم اینجا تذکر بدهیم که با دفتهای زیاد در کمسیون با حضور آقای مدرس و حاج سیدالمحققین و بعضی آقایان دیگر این ماده نوشته شده و در آنجا حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا و بنده و سایر آقایان بودیم و خیلی مصر بودیم که در خدمت آقایان یک راهی برای اینکار پیدا کنیم که ما را از دادن امتیاز ممنوع نکنند البته اگر راهی پیدا نشود دیگر نمی شود در آن حرف زد و مذاکره کرد و اگر کسی بخواند این سیاست را داشته باشد که امتیاز بدهد باید بهر وسیله

و طریقی که هست این راه را پیدا کند و برای اینکه فرمایشات شاهزاده سلیمان میرزا تسهیل شود در کمسیون وقتی این ماده مذاکره می شد خیلی مصر بودیم و از آقای مدرس استفاده می کردیم با تجری که ایشان در این نوع مسائل دارند یک راه حلی پیدا کنند و بالاخره وقتی ایشان یک راه حلی پیدا کردند بنده و رفقای بنده خیلی خوشوقت خواهیم شد و خیلی خوشحال هستیم که امروز شاهزاده سلیمان میرزا در اینجا یک مدافعه شایانی از حقوق ملاکین نموده اند زیرا در اینجا حقوق ملاکین ممکن است با حقوق عمومی و منافع دولت درمعارضه باشد در صورتیکه باید قضیه برعکس باشد و بنده بیایم این جا مطابق معمول از این حقوق دفاع کنم ولی خیلی خوش حالم که ایشان با بنده مساوقت فرمودند و با امکس بنده می خواهم عرض کنم باید حقوق و منافع عمومی مملکت را بر منافع خصوصی خود مقدم بداریم و بنده می خواهم در اینجا توضیحی عرض کنم و شاید بعضی از رفقای بنده از این توضیح خوششان نیاید ولی بایستی این توضیح را اینجا عرض بکنم زیرا گمان می کنم سایر آقایان مثل بنده می خواهند امتیاز بدهند اگرمانی خواستیم امتیاز بدهیم اصلاً داخل این کار نبخشیم ولی وقتی ما سیاست و صلاح مملکت را اینطور تشخیص داده باشیم که باید امتیاز را بدهیم آتوق باید تمام مسامحه خودمان را در دفع مشکلات صرف کنیم نه اینکه یک چیزهای سابقه داری را هم که در مملکت ما هست و یک امتیازات دیگری که داده شده است و معاملات دیگری با مالکین و غیره می شود و در مملکت ما تمام این چیز ها مرعی بوده و هست حالا ما باین اشکال تراشی بکنیم ملاحظه بفرمائید می فرمایند قیمت زمین چیزی است که بسته بوقایع است اگر راه آهن یکجا کشیدند البته زمین ترقی می کند و این طبیعی است که اگر یک زمینی داشته باشیم که نفت داشته باشد که نفت را بیرون بیاورند و از این نفت سالی دوست یا سیصد هزار تومان فایده ببرند این صد ذرع زمین سالی آنقدر با فایده میدهد از روی آن دوست هزار تومان قیمتش حساب می شود ولی وقتی این زمین آنجا هست و سایرین دراز هم بوده و فقط یک صرفه زراعتی صد یا دوست تومان برده میشده و ابتدا معلوم نیست که آیا فقط دارد یا ندارد فقط در یک حدودی است که ما امروز می خواهیم آن حدود را از برای استکشاف نفت بدهیم به بینیم نفت دارد یا نه فرضاً هم که نفت داشته باشد ما خود را میا و قادر و حاضر برای این نمیدانیم که این استکشاف و استخراج را خودمان بکنیم هنوز که نفتی در بی نیست و ممکن است بیست

هزار تومان خرج کنند و هیچ نفتی پیدا نکنند آتوق بنده بگویم چون ممکن است نفت داشته باشد قیمت این زمین را از روی احتمالی که خواهند داد حساب کنند اگر حضرت والا این نصیحت را بما بدهید بنده تصور می کنم بایستی در خصوص امتیاز و بیک حرفی نزد اگر تردید بفرمائید که یک راه حلی برای اینکار پیدا نشود و یک تسهیلاتی نشود دیگر هیچ مذاکره در این باب فایده ندارد و اول کسیکه در اینکار یکی از موانع بزرگ خواهد بود خود بنده خواهم بود که گواهی نمی شوم ملکم را بدهم
شیخ الاسلام - مال مردم را هم نمی شود بخشید
مدرس - نوبت به بنده نرسیده است؟

رئیس - چون ظهر گذشته است اگر متنتی است جلسه ختم شود و بقیه مذاکرات بماند برای جلسه دیگر . جلسه آتیه شنبه سه ساعت و ربع قبل از ظهر دستور اولاً بقیه مذاکرات در امتیاز نفت ثانیاً کتترات دکتر و بهلم .
آقای محمد ولی میرزا (اجازه)

محمد ولی میرزا - بنده مدت ها است سؤالی از وزیر فواید عامه دارم و به مقام ریاست هم عرض کرده ام چون موضوع مهم است استدعا دارم بفرمائید در جلسه آتیه حاضر شوند و جواب سؤال بنده را بدهند .

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - راپرت قانون موقتی معاکه وزراء از کمسیون می تکرار رسیده است استدعا دارم جزء دستور جلسه آتیه را بدهند .
رئیس - مقصودتان راپوت کمسیون می تکرار است چیز مقتضی است جزو دستور می شود
آقای نجات

آقا میرزا محمد نجات - بنده خواستم یادآوری کنم از فراری که مراسلات از آذربایجان می رسد اهالی ارومیه خیلی در سختی هستند خواستم یادآوری کنم اعضاء آن کمسیون زودتر راپرت بدهند که بیشتر از این اهالی در زحمت نباشند
رئیس - آقای نصره الدوله (اجازه)

نصرت الدوله - راپرت راجع به اهالی ارومیه امروز از کمسیون بودجه بتمام ریاست تقدیم شده است
رئیس - آقای هادال ملک (اجازه)

عمادالملک - لایحه دولت راجع
 بقرار داد تجارتنی بین ایران و مصر به
 کمیسیون محترم خارجه ارجاع شده است
 و هنوز ابرتن آن را تقدیم مجلس نکرده اند
 چون يك قسمتی از نگرانیهای اهالی فارس
 را تأمین می کند استعدا می کنم مقرر
 فرمائید هر چه زودتر رایرتش را به مجلس
 بفرستند که جزء دستور شود

رئیس - رایرتش رسیده است جزء
 دستور رورسه شنبه میشود
 آقای آقاسید یعقوب
 (اجازه)

آقاسید یعقوب - عرضی نداشتم
 رئیس - آقای شیخ الاسلام
 اصفهانی
 (اجازه)

شیخ الاسلام - بنده چند روز قبل
 یاد آوری کردم مستمریات تومانی تومان
 که حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا
 پیشنهاد کردند يك هفته بیشتر طول نکشد
 از قراری که بنده شنیده ام بعضی از آنها
 خیلی مستحق هستند.

رئیس - در شرف اختتام است جزء
 دستور روز یکشنبه میشود
 آقای محمد ولی میرزا
 (اجازه)

محمد ولی میرزا - عرضی
 ندارم
 رئیس - آقای محمد هاشم میرزا
 (اجازه)

محمد هاشم میرزا - عرض بنده
 گفته شد
 رئیس - سدیدالملک
 (اجازه)

سدیدالملک - برای دوازده نفر
 از صاحب منصبان نظام حقوق تقاعدی معین
 شده بود چون خیلی در عسرت هستند خوب
 است جزء دستور شود
 رئیس - رایرتش هنوز حاضر
 نشده.

نصرت الدوله - امروز صبح
 تقدیم شده
 رئیس - پس جزء دستور روز ۴ شنبه
 خواهد بود

(مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر
 ختم شد)
 رئیس مجلس مؤتمن الملک

جلسه ۱۸۵

صورت مشروح مجلس

یوم شنبه هفدهم

قوس ۱۳۰۱ مطابق نوزدهم

ربیع الثانی ۱۳۴۱

مجلس دو ساعت و نیم قبل از
 ظهر به ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل
 گردید

(صورت مجلس یوم پنجشنبه